

## مسیحیت،

### ناکامی‌ها و پیشرفت‌ها

زده و فقیر چون «هند» و «اندونزی» و مناطقی از آفریقا، گرایش به مسیحیت در حال پیشرفت نسبی است، و این موفقیت نسبی از طریق کمک‌های مالی «میسونرها» و حمایت سیاسی و امنیتی کشورهای بزرگ، نصیب کلیسا می‌شود.

اکنون سؤال می‌شود: علت آن عقب‌گرد و این رویکرد نسبی چیست؟ و چرا در همه جا، جریان یکسان نیست؟

پاسخ: آنچه اهمیت دارد تبیین علت عقب‌گرد در کشورهای صنعتی است که از نظر علم و عقلانیت و آزادی عقیده، در سطح بالایی هستند و اما گرایش نسبی کشورهای فقیر، روشن است و نیاز به

سؤال: گزارش‌ها حاکی است: مردم کشورهای پیشرفته صنعتی نظیر اروپا و آمریکا نسبت به مسیحیت گرایش منفی دارند، و حتی در کشوری چون آلمان تنها ۹٪ از مردم در روز یکشنبه به کلیسا می‌روند، به نوشته روزنامه اشپگل شماره ۱۵ ژوئن ۱۹۹۲، در مقاله‌ای به نام «وداع با خداوند»، آلمان به یک کشور «کافر» تبدیل شده است، و تنها چیزی که در ذهن مردم از مسیحیت باقی مانده، این است که باید مقداری از مال خود را به کلیسا بدهند و ضمناً خاطراتی از جنگ‌های ویرانگر صلیبی دارند.

ولی در کشورهای عقب مانده و جنگ

توضیح ندارد. هر چند در ضمن مقاله، به علت آن اشاره‌ای خواهیم داشت. علت ناکامی در کشورهای صنعتی در دو امر خلاصه می‌شود:

الف: تناقض در گفتار و رفتار.

ب: تناقض در عقاید و اندیشه‌های

دینی.

اینک به بیان هر دو می‌پردازیم:

### ۱. تناقض در گفتار و رفتار

یکی از تعالیم مسیح، بر اساس اناجیل موجود، این است که می‌فرماید: «به شما گفته شده است که نزدیکانتان را دوست بدارید و دشمنانتان را دشمن بدارید، ولی من به شما می‌گویم دشمنانتان را دوست بدارید و برای کسانی که شما را نفرین می‌کنند طلب رحمت نمایید. و به کسانی که شما را دشمن دارند، نیکی کند، و برای کسانی که شما را دشنام می‌دهند، دعا کنید».<sup>(۱)</sup> و نیز می‌فرماید: «اگر به گونه راستان

سیلی زدند، شما گونه‌چپ خود را هم در اختیار آنها بگذارید، و اگر پیراهنتان را به زور گرفتند، قبایطان را هم به آنها بدهید، و اگر گفتند شما را به زور يك ميل راه می‌بریم شما دو ميل با آنها بروید».<sup>(۲)</sup>

این تعالیم به ظاهر بشردوستانه و صلح جویانه یکی از نقاط قوت آیین کلیسا است که از این طریق باید در دل‌ها نفوذ کند و تمام جوامع بشری را دربرگیرد، زیرا آیینی است مهرورزانه و به تمام انسان‌ها با يك دیده می‌نگرد و پیوسته می‌خواهد صلح و صفا جای کشتار و خونریزی را بگیرد، البته آنچه گفته شد، همگی تعالیم مسیحیت است، ولی باید دید جریان در مقام عمل و رفتار، چگونه است؟

متأسفانه در مقام رفتار، ضد آنچه در تعالیم است مشاهده می‌شود، و تاریخ کلیسا چه در قرون گذشته و چه در عصر حاضر، حاکی از آن است که آنچه در نزد آنان ارزش نداشت و ندارد، مال و جان دیگران است، و به جای دعوت به صلح و

۱. انجیل متی، فصل ۵، آیه ۴۳-۴۴.

۲. انجیل متی، فصل ۵، آیه ۳۸-۴۱.

صفا، پیشگام استعمار بوده‌اند.

تنها در منطقه خاورمیانه پس از فرورپاشی خلافت عثمانی قلمروی این امپراتوری، میان دولت‌های مسیحی غربی تقسیم شد و حکومت خود را، به زور بر ملت‌های منطقه تحمیل کردند و به جای ترویج مهر و محبت به امور زیر پرداختند:

۱. ایجاد اختناق و حکومت‌های دیکتاتور وابسته به خود که حافظ منافع آنها بود.

۲. ایجاد تنفر مذهبی نسبت به سایر ادیان بالاخص نسبت به دین اسلام در میان ملت‌ها.

۳. غارت منابع طبیعی این کشورها به سود ملل اروپایی مسیحی و به زیان ملل بومی منطقه.

۴. غارت میراث فرهنگی و آثار باستانی و نشانه‌های هویت ملی مردم این مناطق.

۵. سرکوب نهضت‌های آزادی‌بخش و ضد استعماری و کشتار وسیع آزادیخواهان که نمونه آن مجاهدان جان بر کف الجزایری است.

۶. اهانت به مقدسات ادیان و مذاهب

مختلف به ویژه مسلمانان.

۷. آنان نه تنها با ملل دیگر بدرفتاری کردند، حتی با همکیشان خود، وارد جنگ و پیکاری شدند که در تاریخ بشریت بی سابقه است. جنگ‌های جهانی اول و دوم، میلیون‌ها کشته، مجروح و ناپدید، به جای نهاد که هرگز نمی‌توان خسارت‌های جانی و مالی آنها را با ارقام عادی بیان کرد، اگر واقعاً آنان پیروان مسیح بشردوست بودند، این همه جنگ و کشتار در میان مسیحیان چه معنی دارد؟

۸. آنان آنچنان خودخواه و «نابردبار» هستند که هرگز - در گذشته - هیچ دینی را در طول قرون در کشورهای خود پذیرا نبودند، از وجود اسلام و مسلمانان در کشورهای خود اثری بر جای نگذاشته، و حتی یهود را هم در محلات جداگانه «گتوها» با دیوارهای بلند محصور ساخته و بارها تهدید به انقراض و نابودی نمودند.

۹. از تعالیم معروف مسیح فروتنی او است او روزی به حواریین گفت: می‌خواهم کاری انجام دهم ولی شما اعتراض نکنید، آنگاه برخاست و آب آورد و

وی غذای خود و همراهانش را که پنج نان و دو ماهی بود میان همگان تقسیم کرد و هر يك چند لقمه خوردند و به طور یکسان سیر شدند. (۲)

این رفتار حضرت مسیح است، ولی در مقابل، ۸۵٪ ثروت دنیا در دست ۱۵٪ احتکار شده و اکثریت آنها را ملل به ظاهر مسیحی تشکیل می‌دهند، در مقابل، ۱۵٪ دیگر ثروت در اختیار ۸۵٪ جمعیت جهان است.

این نوع تناقض‌ها و پارادوکس‌ها، در رفتار و گفتار، سبب عقب‌گرد اندیشمندان از آیین کلیسا و رویکرد آنان به ادیان و مکاتب دیگر شده است، حتی برخی از مردم اروپا و آمریکا به ادیان دیرینه شرقی مانند «هندویسم» و «بودائیسم» روی آورده و پاره‌ای نیز مسلمان شده‌اند، ولی بخش عظیم آنها کلاً با دین وداع کرده‌اند.

آنچه بیان شد مربوط به جنبه‌های رفتاری و اجتماعی آنان است که بیانگر

دست و پای همه را شست و بر جای خود نشست.

حواریون گفتند: هدف از این رفتار چه بود؟

او در پاسخ گفت: من برای شما فروتنی کردم تا پس از من برای مردم تواضع کنید. (۱)

این رفتار کجا و حالت کبرورزی و خودبتر بینی رهبران مسیحی جهان و تحقیر ملت‌های دیگر کجا؟ تا آنجا که برخی از ملت‌ها را وحشی یا نیمه وحشی می‌خوانند و از آنها حق توحش مطالبه می‌کنند!!

۱۰. جناب مسیح این پیامبر اولوالعزم، يك انسان زاهد و وارسته زمان خود بود، از ساده‌ترین مظاهر تجمل‌دنیوی نیز پرهیز می‌کرد و غذای خود را با گرسنگان تقسیم می‌نمود، روزی در جایی که برای موعظه به نزد مردم رفته بود، از آنان پرسید: شما غذا خورده‌اید؟ گفتند: نه.

۱. انجیل یوحنا، فصل ۱۳، آیه‌های ۵ تا ۱۵؛ اصول کافی، باب صفة العلماء، ج ۶، ص ۳۷، ح ۱.

۲. انجیل لوقا، فصل ۹، آیه‌های ۱۳ تا ۱۷.

## ۲. گناه ذاتی یا حقوق انسانی؟

مسیحیان از يك طرف، مسأله حقوق بشر، و احترام به انسان‌ها را مطرح می‌کنند و نصایح حضرت مسیح را یکی پس از دیگری در کلیساها می‌خوانند، ولی از طرف دیگر، اصل «گناه ذاتی» یا «گناه نخستین» را مطرح می‌کنند که از آدم ابوالبشر (که با خوردن از میوه درخت بهشت گناهکار شد) به همه انسان‌ها به ارث رسیده است، و می‌گویند ما باید تلاش کنیم تا این پلیدی را از دامن خود پاک کنیم و خود را به صورت انسانی پاک درآوریم.

در این جا يك متفکر آلمانی از خود می‌پرسد: چگونه فردی گناهی را مرتکب می‌شود و فرد دیگری مؤاخذه می‌گردد؟ و با مثل معروف شرقی، آیا صحیح است که می‌گویند:

گنه کرد در بلخ آهنگری

به شوشتر زدند گردن مسگری؟!

شما این اندیشه را در کنار اندیشه

اسلامی قرار دهید که می‌گوید:

﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾. (۱)

تناقض در تعلیم و رفتار است، اکنون به تناقض‌های موجود در عقاید آنها می‌پردازیم:

## تناقضات اعتقادی

تناقض در درون عقاید يك کیش، مایه گریز اهل نظر و فکر است که به برخی اشاره می‌کنیم:

### ۱. توحید یا تثلیث؟

آنان در حالی که خود را پیرو آیین ابراهیم می‌دانند و از توحید ترویج می‌کنند، ولی «تثلیث» را در کنار توحید می‌آورند و تأکید می‌کنند که این دو هیچ تناقضی با هم ندارند، تو گویی می‌خواهند به کودک درس بگویند که یکی بودن و سه بودن با هم قابل جمع است! در حالی که مخاطبان آنان درس خواندگان و تحصیل کردگان دانشمند در علوم ریاضی و طبیعی هستند که هرگز این تناقض را نمی‌پذیرند. آنان چگونه سرنوشت خود را به آیینی پیوند بزنند که اساس آن را تناقض تشکیل می‌دهد؟

خوانندگان و مردمی که در محیط علمی، رشد یافته‌اند، به زودی متوجه این نقص شده و سبب دوری آنها می‌گردد.

از این بیان روشن می‌گردد که چرا آیین کلیسا در غرب در حال افول و در کشورهای فقر زده هنوز مورد پذیرش نسبی است، زیرا از يك طرف كمك‌های مالی تحت عنوان فرینده «كمك‌های بشر دوستانه» و از طرف دیگر عدم آگاهی از واقعیت آیین کلیسا، سبب استقبال نسبی می‌گردد.

فردی می‌تواند از ارزش والای اندیشه‌های اسلامی آگاه شود که این دو آیین را به صورت مقایسه‌ای، کنار هم نهد و مورد بررسی قرار دهد.

البته تصور نشود که ما در آیینی که خود حضرت مسیح - سلام الله علیه - آورده کوچک‌ترین تردیدی داریم. آیین آن مرد بزرگوار به سان آیین اسلام از هر نوع تناقض در گفتار و رفتار و دیگر مراحل، پیراسته بوده و این پیرایه‌ها به دست پدران روحانی بدان بسته شده است.

«هیچ کس بار گناه کسی دیگر را به دوش نمی‌کشد».

### ۳. خدای مهربان و دست یافتنی، یا سلسله مراتب سنگین کلیسایی؟

از يك طرف، مسیح به عنوان مظهر مهر و محبت، و خدای رؤوف و رحیم جهانیان معرفی می‌شود، و لازمه این مهر و محبت این است که انسان بدون توسل به کشیش و مافوق او بتواند رحمت حق را به خود جلب کند، و از کرده خود اظهار پشیمانی کند، ولی در مقابل آن، يك سلسله مراتب کلیسایی برای بخشش گناهان در نظر گرفته شده که تا گنهکار به جزئیات گناه نزد کشیش اعتراف نکند و مالی را به عنوان کفاره به او نپردازد، از جهنم رهایی نمی‌یابد و بهشت را صاحب نمی‌شود، و گناه او بخشیده نمی‌شود!

این تناقض در افکار و آموزه‌های کلیسایی برای يك فرد دور از تمدن و عقلانیت چندان جلوه نمی‌کند ولی درس

﴿وما قتلوه وما صلبوه ولكن شبهه﴾

لهم... ﴿(۱)﴾

«او را نکشتند و بر دار نکشیدند، بلکه امر بر آنها مشتبه شد(و دیگری را به جای او به دار کشیدند)».

#### ۵. عصمت پاپ و معصوم نبودن پیامبران!

متون کتاب مقدس حاکی است که پیامبران از نظر مسیحیت معصوم نیستند. مطالعه حوادث مربوط به حضرت لوط و داود و سلیمان حاکی است که آنان گاهی دچار لغزش‌های بزرگ می‌شدند، و لذا توبه می‌کردند و به اشتباه خود اعتراف می‌کردند. (۲)

ولی پاپ يك فرد عادی است و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، وارد دانشکده الهیات می‌گردد و پس از گذراندن مقاماتی از قبیل کشیشی، اسقفی، و کاردینالی سرانجام به مقام پاپی برگزیده می‌شود، و مسلماً در گزینش این فرد برای

#### ۴. تبرئه یهود یا فدا شدن مسیح برای آمرزش گناهان؟

مسیحیت تقریباً در طول ۲۰۰۰ سال گذشته ادعا می‌کرد که حضرت مسیح به وسیله یهودیان به دار آویخته شده و نتیجه دار رفتن او، پاک شدن پیروانش از گناه ذاتی است، چنان‌که قبلاً نیز اشاره شد.

این منطق، منطق کلیسا در دو هزار سال گذشته بوده است، ولی عالی جنابان پاپ پیشین: ژان پل دوم، و پاپ فعلی یعنی آقای بندیکت شانزدهم، دامن یهود را از این گناه پاک کرده‌اند، اکنون سؤال می‌شود: مسیحی که در فلسطین در میان بنی اسرائیل زندگی می‌کرد، چه کسی بود؟ و چرا به دار آویخته شد؟ چه کسی او را به دار آویخت؟ شاکیان از مسیح چه کسانی بودند؟ آیا حاکم رومی به خاطر شکایت چه گروهی دست به این جنایت زد؟ آیا همه این‌ها افسانه بوده است؟ در حالی که قرآن از اول این تناقض را حل کرده و منکر قتل و صلب مسیح شده است و می‌فرماید:

۱. سوره نساء، آیه ۱۵۷.

۲. تورات، سفر تکوین، فصل نهم، انجیل متی، فصل ۱، کتاب دوم «سموئیل»، فصل ۱۱ و ۱۲.

عظیمی دارد، و می‌گویند: اگر ایمان بیاورید می‌فهمید!!

در کتاب خاطرات دکتر قاسم غنی شاعر آستان قدس رضوی آمده است: که من در دانشگاه آمریکایی بیروت تحصیل می‌کردم. یکی از استادان ما در دو ماده با ما درس داشت، یک روز فیزیک به ما درس می‌داد، و در روزی دیگر از ایام هفته به عنوان کشیش در ساعت دینی به موعظه می‌پرداخت.

من از او پرسیدم پدرجان! شما چگونه مطالب امروز را با مطالب درس دیگران وفق می‌دهید و سازگار می‌سازید؟!

وی پاسخ داد: من مغز خود را دو قسمت کرده‌ام، بخشی برای علم و عقل، و بخشی برای ایمان و نمی‌گذارم مطالب این دو بخش با هم مخلوط شوند!

#### ۷. تعارض علم و دین در مسیحیت

آیین ابراهیمی، در همهٔ شاخه‌ها، طرفدار علم و دانش بوده و انسان را به فراگیری دانش دعوت کرده است، ولی متأسفانه تاریخ مسیحیت بالأخص

این مقام، سیاست روز نیز مؤثر است، چنین فرد عادی از نظر مسیحیان با گذراندن این مقامات، معصوم و پیراسته از گناه می‌شود!!

آیا صحیح است پیامبران الهی که آورندگان پیام‌های الهی بوده‌اند، انسان‌های گنهکاری باشند ولی یک فرد عادی از گناه و خطا مصون شمرده شود؟ چگونه انسان‌های تحصیل کرده این تناقض‌ها را بپذیرند؟

#### ۶. تعارض عقل و ایمان

در حالی که آیین توحید بر اساس عقل و درایت است، و پیشوای پیامبران، حضرت ابراهیم از طریق براهین عقلی بت‌پرستان را محکوم کرد، و مردم را به خدای واحد دعوت نمود، ولی در مسیحیت، عقل و دین، گاهی رو در روی هم قرار می‌گیرند، و قلمرو عقل را، غیر از قلمرو دین می‌دانند، عقل، تثلیث را محکوم می‌کند و می‌گوید: خدای یگانه نمی‌تواند سه‌گانه باشد ولی در قلمرو ایمان به گفتهٔ پدران روحانی، تثلیث، مقام



پاپ واتیکان به صورت روشن به نفع مستکبران و به زیان مستضعفان و ستمدیدگان وارد سیاست می‌شود، و از اشغال‌گران و متجاوزان حمایت می‌کند و از مظلومان و ملت‌های زیر ستم و اشغال می‌خواهد که در برابر آنها مقاومت نکنند.

\*\*\*

با توجه به این علل و اسباب که مایه دوری مردم اندیشمند و دانا از حوزه دین گردیده است، لازم است برای بازگرداندن مردم مغرب زمین به معنویت و دین، مسائل یاد شده در بالا در گفتمان‌ها و نشست‌ها مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا هر نوع اشکالی که در پیش پای بازگشت مردم به دین هست برداشته شود و اگر هم خطا بودن بعضی از این اصول، برای پدران روحانی ثابت شد، شجاعانه به اشتباه خود اعتراف کنند، و در حقیقت پیام ما در این مقاله همین چند سطر اخیر است.

مسیحیت کاتولیک در اروپا و دادگاه‌های انگیزسیون، حاکی از ضدیت کامل میان علم و دین است. تاریخ علوم، حاکی از آن است که هزاران دانشمند به خاطر کشف اسرار آفرینش و پیشرفت علوم، به حکم پدران روحانی طعمه آتش و قتل و سرکوب شدند! و این، مسأله‌ای نیست که نیازمند شاهدی باشد. مطالعه تاریخ تمدن ویل دورانت<sup>(۱)</sup> شواهد گویایی را در این زمینه ارائه می‌کند.

## ۸. جدایی دین از سیاست، یا ایفای نقش کلیسا در سیاست؟

مسیحیان از طرفی یکی از تعالیم مسیح را جدایی دین از سیاست می‌دانند، و از او نقل می‌کنند که فرموده است: «کار مسیح را به مسیح و کار قیصر را به قیصر بسپارید»<sup>(۲)</sup> ولی از طرف دیگر کلیسای امروز، و در رأس آن کلیسای «رومن کاتولیک» به رهبری

۱. عصر ایمان، ج ۴، ص ۳۶۹ تا ۳۹۹.

۲. انجیل لوقا، فصل ۲۰، آیه ۲۵.